

# القاب

## « قائم مقام ها »

لقب و جمع آن القاب که بر حسب شغل و مقام برای افتخار و امتیاز به اشخاص معروف داده شده غالباً مرکب از کلمات عربی بوده و تقریباً با قیاس و نسبت به شغل و خدمت آنان انتخاب شده و از صدر اسلام و سلسله‌های غزنوی- دیلمی- سلجوقیان کم و بیش متداول بوده است. منتهی در ابتدا خیلی کم و انگشت شمار و بکلی اختصاص بر رجال درجه اول دولت داشته بعدها مخصوصاً در دوره ناصری بقدری زیاد شده که در اواخر دوره قاجاریه از قرار وقاعده خارج گردیده علاج کار همان بود که در سال ۱۳۰۳ شمسی بموجب قانون ملغی و منسوخ گردید.

### بایوردی - افسر باز نشسته

از عهد فتح‌لی شاه باینطرف حتی بزنان و دختران درباری و نسوان خانوادگی دیگر نیز اعطاء شده علاوه بر اینها در عهد قاجاریه یکنوع جنبه

وراثت پیدا کرده و اشخاصی مراقب و مقید بودند که مثلاً فلان لقب از خانواده آنها قطع و بخانواده دیگر داده نشود.

در حال با اینکه فعلاً لقبی در بین نیست لکن نمیتوان وجود لقب را در گذشته نادیده گرفت و چون نام فامیل و خانوادگی نیز بغیر از ایلات و عشایر در جامعه معمول نبوده بنابراین بدون ذکر و اشاره بالقاب شناختن اشخاص مقدور نخواهد بود بخصوص باتواتر آنها که مثلاً لقب اعتماد السلطنه یا نظام الدوله چندین بار و در چند خانواده تکرار و انتقال یافته که چنانچه امروز و در این زمان تجزیه و تحلیل نشود برای نسل‌های آینده مشکل و معمای بزرگی خواهد بود. باین جهت اینجانب تاجائیکه مقدور باشد القابی را که بیشتر مورد استعمال و نقل و انتقال قرار گرفته با خلاصه مختصری از شرح حال صاحبان آنان تهیه و در دسترس علاقمندان می‌گذارم و باینکه راجع بمشیرالدوله‌ها و آصف‌الدوله‌ها آقایان ایرج افشار و سعادت نوری که هر دو از نویسندگان معروف میباشند سابقاً توضیحاتی نوشته اند ولی دسترس به نوشته آقایان نیافتم و اینک آنچه می‌نویسم به سلیقه و استنباط خودم می‌باشد و هر گاه بعضی از این اشخاص که غالباً مصدر خدمت و قدرت بوده اند نقاط ضعف و تعدیاتی داشته باشند چون مقصود مایه‌یو گرافی نویسی نیست به ذکر آن مسائل نخواهیم پرداخت.

### ۱- میرزا عیسی قائم مقام - میرزا عیسی مشهور بمیرزا بزرگ پسر میرزا

حسن پسر میرزا عیسی از هزاره بخش قراهان شهرستان (اراک) (عراق) اباعن جد صاحب خط و معلومات و ابتدا در شیراز نویسنده و باصلاح سابق محرر حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله بوده بعداً بدربار محمد شاه و فتحعلی شاه راه یافته، سال ۱۲۱۳ هجری قمری موقع اعزام عباس میرزا ولیعهد به حکومت آذربایجان میرزا بزرگ بوزارت او تعیین شده و چون در حقیقت نماینده یا نایب صدر اعظم در تبریز و نزد ولیعهد بود باین جهت اسماً به قائم مقام و از ۱۲۱۸ رسماً باین لقب ملقب گشته و از همین جا لقب قائم مقام که غالباً مضاف الیهی نیز داشته به فهرست و صورت القاب دولتی اضافه و معمول گردید که از لحاظ درجه و اهمیت نیز در زدیف القاب درجه اول میباشد.

و چون پسرش نیز نویسنده و میرزا بوده برای تشخیص پدر و پسر او را میرزا بزرگ می‌گفتند و به اسم قائم مقام اول معروف گردید.

قریب ۲۴ سال در آذربایجان و خدمت عباس میرزا بوده و جنگ‌های دوره اول ایران و روس را دیده، درسفر و حضر در خدمت نایب‌السلطنه بقلم و قدم و رأی و تدبیر انجام وظیفه کرده و غالباً طرف مراجعه و مذاکره با نمایندگان دولتهای روس و عثمانی و انگلیس بوده و در کمال احاطه بتاریخ و مطالب لازم با آنها روبرو شده است.

از آثار قلمی او رساله جهادیه و انشاء عربی است که در تالافت و فصاحت از خود اهل زبان بهتر نوشته و از اولاد او میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی که در سیاست و فصاحت از پدر گذشته و حتی سبب شهرت بیشتر پدر گردیده که شرح حال او بعداً بیاید.

قائم مقام دروهای ۱۲۳۷ ق. تبریز فوت شده و در همانجا در مقبره معروف سید حمزه مدفون گردیده است. (۱)

**۴- میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی** پسر میرزا عیسی ( میرزا بزرگ ) قائم مقام اول و جانشین او و معروف بقائم مقام ثانی است که از جهت سیادت او را سیدالوزراء هم می‌گویند ابتدا وزیر عباس میرزا و پس از فوت او صدر اعظم محمدشاه بوده در محرم ۱۱۹۳ هجری قمری متولد و سلخ صفر ۱۲۵۱ کشته شده در فاصله سنوات ۱۲۳۹ تا ۱۲۴۱ از دستگاه عباس میرزا مطرود و منزوی بوده که بطهران آمده از طرف خاقان مغفور بوزارت فرخ میرزا نیرالدوله که بحکومت همدان بجای محمد میرزا ( محمد شاه ) منصوب بوده اعزام شده تا بار دیگر مورد توجه عباس میرزا واقع و مجدداً بوزارت او انتصاب یافته حتی گوهر ملک خانم خواهر اعیانی نایب‌السلطنه راهم گرفته است. قائم مقام در کاغذ خود از خراسان که در رکاب عباس میرزا از آذربایجان

۱- ص ۵۱۲ - ج ۲ شرح حال رجال و شماره مسلسل ۲۲ بررسی -

های تاریخی.

بآنجا رفته بوده مینویسد: شاهزاده خانم - قربانت شوم .  
 ندوری تو نمرود چه لاف عشق ز من که خاک بر سر من بادو عشق و ورزی من  
 توضیح اینکه این شاهزاده خانم ابتداء عیال محمد امین خان قاجار  
 بود از او طلاق گرفته بعداً بمقدد قائم مقام درآمد وبعد از کشته شدن او زن  
 سید صدرالدین تبریزی شد و از هیچکدام اولاد نداشت .

از حیث سیاست و معلومات و ادبیات مستغنی از تعریف بوده منشآت او  
 بوسیله فرهاد میرزا معتمدالدوله تا اندازهای جمع آوری وسال ۱۲۸۰ در طهران  
 و ۱۲۸۲ هجری قمری در تبریز بچاپ رسیده وهمچون گلستان سعدی و دیوان  
 حافظ شیرازی در هر خانه قدیمی موجود است و اخیراً نیز چاپ و منتشر شده است .  
 لرد کرزن مورخ و سیاستمدار انگلیسی درس ۳۳۹ جلد اول ایران  
 و موضوع ایران تألیف خود مینویسد :

اعتماد الدوله شیرازی وزیر فتحعلی شاه - میرزا ابوالقاسم قائم مقام  
 ثانی وزیر محمد شاه - میرزا تقی خان اتابک اعظم وزیر ناصرالدین شاه که  
 هرسه قابل و مفید بودند بتحریرک پیگانگان و تلقین مغرضین کشته شدند .  
 در هر حال اواخر صفر ۱۲۵۱ قمری هجری بامر محمد شاه در باغ  
 نکارستان ( لاله زار فعلی ) کشته شده و در حضرت عبدالعظیم مدفون گردید .  
 شرح حال میرزا علی یکی از سه پسرانش بعداً بیاید .

۳ - میرزا صادق نوری برادر زاده میرزا آقاخان اعتماد الدوله  
 نوری و رقیب و مخالف او و معارض شغل و مقام سید فضل الله وزیر آذربایجان  
 عموی دیگر خود بوده باین معنی که قبل از سال ۱۲۷۰ قمری حمزه میرزا حشمت  
 الدوله پسر عباس میرزا بوزارت میرزا فضل الله حاکم آذربایجان بوده در این سال  
 فیروز میرزا نصره الدوله که بعداً فرمانفرما شد بوزارت میرزا صادق که قائم مقام لقب  
 یافته بود به پیشکاری آذربایجان اعزام شده تا سال ۱۲۷۳ بنا بنوشته مخیر السلطنه  
 هدایت درس ۸۵ خاطرات چون میرزا صادق قائم مقام خطاهای میرزا آقاخان  
 صدر اعظم را بناصر الدین شاه گزارش میداده باینجهت باشاره و تحریک صدر اعظم  
 اهالی تبریز بواسطه قحطی نان بروی شوریده ، واواز تبریز خارج و مجدداً میرزا

فضل‌الله نوری بجای‌وی رفته‌است و بنوشته‌ص ۲۱۰ تاریخ تبریز مرحوم نادر میرزا که تاریخ نخبه‌ای از دوره قاجاریه است چون بم خود بی‌اعتناء بود اورا بمحطی منوم کرده از تبریز بیرون راندند و از او بخوبی یاد میکند .

حتی بطوریکه هنوز هم در تبریز شهرت دارد در آن موقع زینب نام شیرزنی از نبودن نان و شدت گرسنگی زنها را بدور خود جمع و باصطلاح امروز آنها را تحریک و تهییج نموده بخانه قائم‌مقام ریخته سنگ باران نموده باین ترتیب شورش و عزل و خروج قائم‌مقام را در تبریز و حل مسئله نان را که احتمالاً به تحریک مرکزی بنوشته‌ص ۱۷۰ جلد ۲ رجال بسبب معامله غله و سوء استفاده مشترک میرزا حسین خان سپهسالار ژنرال قنسول ایران در تفلیس با قائم‌مقام بوده باشد عملی نمودند و اهل ذوق تصنیف ترکی در همان زمان درست کرده در مجامع عمومی میخواندند که مطلعش این بیت بوده :

حکم ایلدی زینب پاشا اوچ یوز اناث فراشا

قائم مقامی باسن داشا من جاماما باتم گلم

ترجمه فارسی :

حکم کرد زینب پاشا بسیمد زن فراشا

که قائم مقام را سنگباران کنید تا من حمام کنم و بیایم

در هر صورت قائم مقام بعد از گرفتاری میرزا آقاخان لقب امین‌الدوله یافته و در شورای دولتی بریاست میرزا جعفر خان مشیرالدوله تبریزی که تقریباً رئیس کابینه و همیشه دولت بوده وزیر داخله شده تا سال ۱۲۸۴ قمری مجدداً بجای فیروز میرزا به پیشکاری آذربایجان اعزام این بار پس از مدت کمی ثالثاً بطهران احضار و سال ۱۲۸۹ قمری در طهران فوت مینماید .

خانواده‌های خواجه نوری از قرن‌ها پیش در خدمت دولت و غالباً در مشاغل عالیه بوده و تاریخ و تذکره مفصل دارند .

۴ - میرزا علی مستوفی پسر دوم قائم مقام ثانی است که پس از قتل پدرش

او نیز مثل سایر افراد خانواده در بخش فراهان تحت نظر بوده تا میرزا تقی خان امیر - کبیر روی کار آمده از اینها رفع محدودیت شده مدتی مستوفی در بار و سپس خراسان

بوده و در سال ۱۲۹۹ قمری جزو وزراء دارالشوری و ۱۳۰۱ لقب قائم مقام یافته سال ۱۳۰۳ قمری فوت شده است با این ترتیب سه نفر در سه نسل یعنی جد و پدر و پسر از این خانواده دارای لقب قائم مقام بوده که در هیچ خانواده سابقه نداشته و حتی اقوامی شنیده شد بعد از میرزا علی برادرش میرزا ابوالحسن خان و پس از او میرزا محمود خان پسرش یکی بعد از دیگری لقب قائم مقام گرفته و در واقع پنج نفر شده اند.

### ۵ - میرزا عبدالرحیم خان طباطبائی تبریزی بر طبق شجره

خانوادگی طایفه طباطبائی تبریز میرزا عبدالرحیم خان از سادات طباطبائی تبریز میباشد که خانواده های دیبا - وکیل - طباطبائی - عدل طباطبائی - مؤتمن - شاهمیر - قاضی و غیره مربوط باین سلسله میباشد سالها در دستگاه ولایت مهدی مظفر - الدین شاه در تبریز مصدر مشاغل معتبر و وزیر مختار ایران در روسیه بوده و بقول مرحوم نادر میرزا درس ۲۶۳ تاریخ تبریز عموزاده نظام العلماء معروف تبریز و در سنوات اوائل ۱۳۰۰ قمری کارگذار آذربایجان بوده که حسنعلی خان امیر نظام پیشکار آذربایجان در گزارش ۱۴ صفر ۱۳۰۲ ق ه بوزارت خارجه از رفتار بدو نا مربوط قنصل روس مقیم تبریز با ساعدالملک کارگذار شکایت و تقاضای تغییر وضع یا خود او را نموده و در عین حال متانت و جلالت قدر ساعدالملک را میستاید. اعتماد السلطنه در خاطرات ۲۳ صفر ۱۳۰۶ خود مینویسد:

در طهران بدیدن ولیعهد رقم ساعدالملک وزیر او بود.

ساعدالملک نیز از این تاریخ بلقب قائم مقام نائل شده و لقب ساعدالملک بداماد او میرزا شفیع خان طباطبائی پسر خان مؤتمن داماد میرزا تقی خان امیر کبیر رسیده و از او هم باقای ابوالفتح رفیعی داماد میرزا شفیع خان رسیده و القاب موقوف شده است مضافاً بر اینکه لقب ساعدالملک چهار بار در این خانواده تکرار شده است. امیر نظام گروسی در نامه دوستانه خود از کردستان بتبریز ضمن تبریک پیشکاری ولیعهد یا وزارت آذربایجان قائم مقام مینویسد: «دو سه اسب قائم مقام بسند تهیه کرده و با اینحال از سرافت اینک سبب از چنگ قائم مقام در بیاروم نیفتاده ام.» ایضاً امیر نظام گروسی در پیشکاری آذربایجان بوزارت خارجه می نویسد: «ساعدالملک را که بسفارت لندن مأمور فرموده اید علاوه از اینک خودش نیز مایل نیست در آذربایجان وجودش لازم است...» الی آخر.

۶ - مهدی خان غفاری بنوشته ص ۱۷۲ جلد ۴ رجال ایران مهدی خان فرزند فرخ خان امین الدوله و داماد رضاخان فرزانه اقبال السلطنه بوده و از دربار

ناصرالدینشاه داخل در خدمت و متولد ۱۲۸۲ قمری ابتداء آجودان مخصوص و وزیر همایون و در سلطنت دو سال و نیمه محمد علی شاه قائم مقام لقب یافته سال ۱۳۱۹ و وزیر پست و از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ قمری حاکم زنجان بوده و خیلی با جر بزه و قدرت اداره کرده و بانی مدرسه جدید در آنجا بوده و قانون اساسی را او بامضاء مظفرالدینشاه رسانیده و در صدر مشروطیت دو بار وزیر تجارت شده در سفر اولیه ۱۳۱۷ قمری مظفرالدینشاه جزو ملتزمین رکاب بوده و روزنامه یومیه را بتقریر اعلیحضرت او مینوشته تا جائیکه در ابتداء سفر نامه دوم می نویسند و فخر الملك (اردلان) آمد و روزنامه خود مانرا فرمودیم نوشت یادمان آمد سفر اول فرنگ سنه ۱۳۱۷ را که وزیر همایون روزنامه مینوشت خیلی جایش را خالی کردیم . و آنوقت وزیر همایون وزیر پست بوده است سال ۱۳۳۶ ق فوت شده .

#### ۷- میرزا یوسف خان عدل تبریزی - متولد ۱۲۶۰ شمسی

در تبریز فرزند مرحوم حاجی عدل الملك و او پسر حاج سید حسین شنب غازی از بازرگانان معروف تبریز که سرای حاج سید حسین در راسته بازار و کاریز و پل رودخانه آجی کنار شهر تبریز از اوست .

قائم مقام ابتداء مکرم الملك لقب داشته و مقارن قیام خیابانی در تبریز نایب الایاله بوده و در این شغل جر بزه و کفایت نشان داده و در آرامش شهر اقدامات عملی نموده و شاید لقب قائم مقام نیز از جهت جانشینی ایالت بوده است . در ادوار ۶ و ۷ و کیل تبریز و از و کلاه مبرز و مقتدر مجلس بود در سال ۱۳۱۶ شمسی فوت شد . از اولاد او آقای دکتر غلامرضا عدل نماینده تبریز و آقای سناتور پروفیسور یحیی عدل میباشد .

#### ۸- حاج آقا رضا رفیع - فرزند مرحوم حاجی شریعتمدار رشتی

متولد ۱۲۶۲ شمسی نماینده ادوار ۵ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ گراگر و دو پهلوی و از زعمای مجلس و رجال بانفوذ عصر حاضر بوده منزل و محضر او مرجع و مرکز اکثر اهالی رشت و گیلان بوده در سالهای اخیر سمت سناتورری داشته سال ۱۳۴۲ شمسی در طهران فوت و آقای مهندس مرتضی رفیع فرزند ارشد ایشان جانشین پدر و از صاحبمنصبان عالیرتبه دولت میباشد .

توضیح اینکه قائم مقامهای سابق نماینده و نایب و مظهر شخص و مقام بالاتری بودند ولی لقب صاحب ترجمه اصلا سه کلمه و قائم مقام مطلقاً باضافه ملک لقب بوده است .

فروردین ۱۳۳۹